

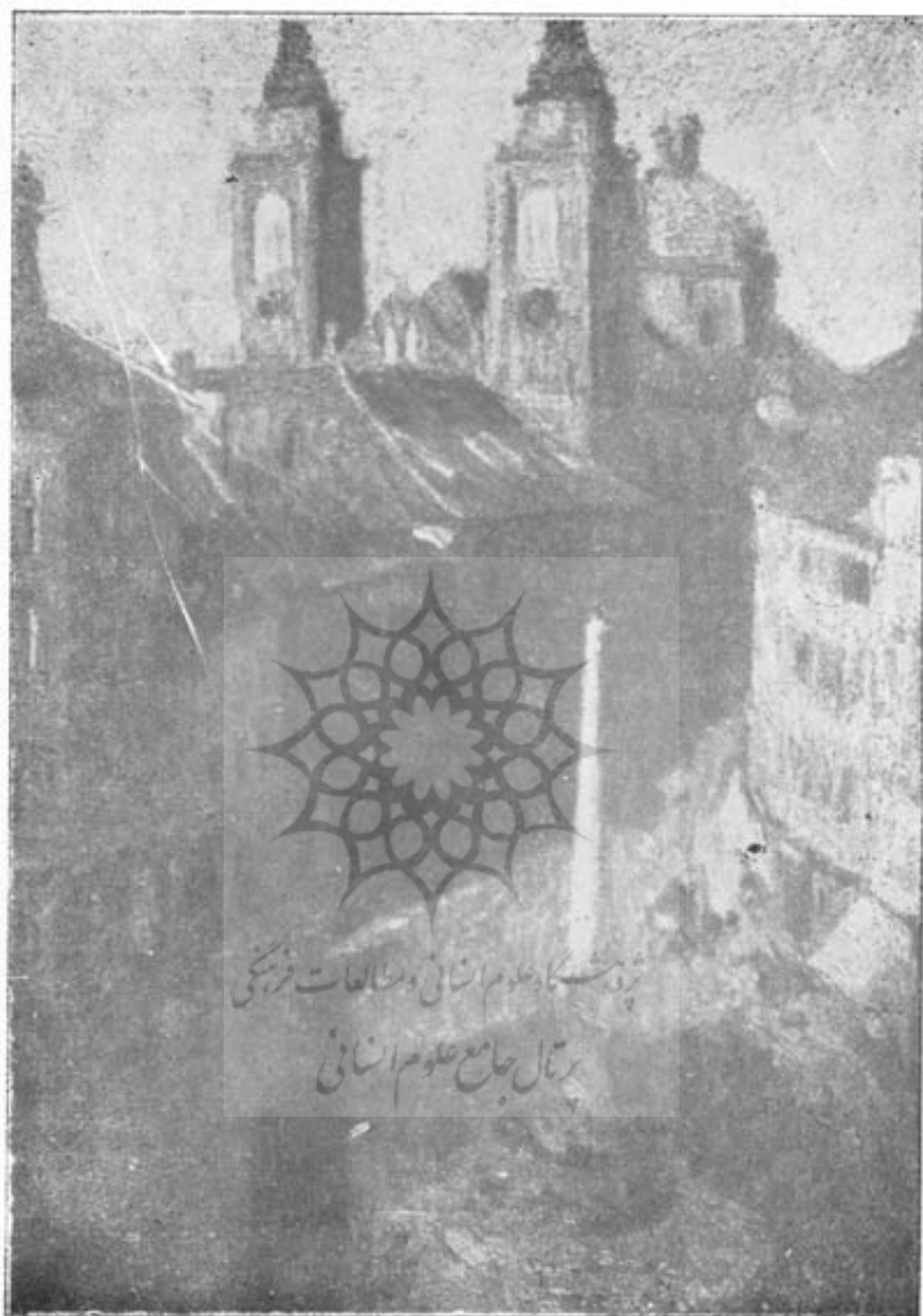
امپریسیونیزم در ریو گوسلاویه

ترجمه: سپند...

پس از آنکه هنریو گوسلاویه در دوره باروک ترقی شایانی کرد سپس در نیمه قرن هجدهم بسوی تجارتی فرود آمد. نکته جالب درین مورد اینست که هنرمند حتی مجبور شد وسایل معیشت خود را در خاکهای بیگانه جستجو کند. بهترین مصداق و شاهد این وضع آشفته هنر و هنرمندان کسانی از قبیل «لورو جانسا»، «فرانک کوسیک»، «جینیز» و «جوریج زوییک» و «انتون آزبی» اند، چنانکه در نیمه دوم قرن نوزدهم، هنگامیکه روحیه ملی قوت گرفت و به تعقیب فعالیت‌های سیاسی ادبیات نضج یافت، کامیابیهای زیادی در زمینه سبک ریالیست رو نما شد، نقاشی هنوز هم درر کباب اعمال شاقه استخدام میگردد. طوریکه یکعده نقاشان ملی از قبیل «جینیز» و «جوریج زوییک» برای انکشاف بخشیدن استعداد و مهارتهای خود بکشورهای بیگانه متوسل میشدند. درین مدت نقاشانی مانند «گویچک»، «س. اوگرین» و امثال ایشان بشمول یکی دونفر از نقاشانی آلمانی نیز در زمره هنرمندان معروف وطن خود بشمار میرفتند. صرف در آغاز قرن بیستم پدید آمدن تجدد در ادبیات و موسیقی بود که نقاشی نیز در قطار آنها جایی یافت. امپریسیونیزم، باروش مخصوص بیانات خود، باروح و معنویت ادوار توافق یافت. پیشروان و نمایندگان معروف تجدد «ایوان کاکر» و «او تان ژویا نسیک» بودند و همین دونفر اند که جنبش زوش نوین هنر را سرعت بخشیدند و در راه مفهوم ساختن هنر ب مردم خیلی زحمت کشیدند. اولین مددگار سیر و حرکت جدید هنر «انتون آزبی» در مکتب خصوصی هنر در میونیک بود. راست است که آزبی اصلاً امپرسیونیست نبوده، لیکن چون بزبان و بیان هنر مندان وارد بود، باین وسیله و بکمک روشهای تربیتی، که پیش گرفته بود، هم میهنان خود را که آینده روشن و اطمینان بخشی داشتند و از ۱۸۹۰ تا زمان مرگش در سال ۱۹۰۵ از همه جا بدیدن او میرفتند



کیار : سترنین
دختری در حال مطالعه دو غنی



شهرت گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منظره‌بی از اجوبیل چه‌نه
کسار : جاما دوغنی

تحت تاثیر و نفوذ در آورد همین دسته اشخاص یعنی (ریچارد جا کو پیک) ، (متیجا جاما) ، (ایوان گروهر) (متیج سترین) پسانها از معروفترین امپرسیونیست ها گردیدند. ایشان بخواهش خود ، برای درست کردن شخصیت خود وجهه بهبودی بخشیدن باوضاع نامساعدی که جامعه شان در مقابل هنر ایجاد کرده بودند، زور هم جمع شدند. اولین بار در ۱۹۰۰ در برابر اجتماع عرض اندام نمودند و این واقعه در نخستین نمایشگاه هنری، صورت گرفت که از طرف یک انجمن هنری یوگوسلاویه بمقصد بالا بردن سطح هنر تشکیل گردیده بود. البته این نمایشگاه از لحاظ تنوع مطالب بسیار غنی بوده است ولی باید دانست که مردم از تماشای کارهای هنرمندان مذکور سخت متحیر شدند و بدین ترتیب چون مردم نتوانستند بکنه و رمز کارهای شان پی ببرند، نقاشان و آثارشان به شکست و نومیدی موقتی مواجه گردیدند چنانکه یک عده منقدین نوشتند که این دسته نقاشان بگروهی متعلق اند که هنرشان صرف برای خودشان است نه دیگران. پس از دو سال، در ۱۹۰۲ یعنی در نمایشگاه دوم کارازین سخت تر شد چنانکه مردم در مقابل شان قیام کردند و آثار شان را از زمره هنر اخراج نمودند و ایشان را شارلاتان نامیدند ، در حالیکه منقدین عمیق و واقعی اروپا اسم معروف (امپر سیونیست) را برایشان اطلاق نمودند. پس از آنکه این فرقه هنرمندان امپرسیونیست خوانده شدند ، در یوگوسلاویه و خارج آن بمجادله و مبارزه شدیدی پرداختند تا آنکه فتح و فیروزی شان در ۱۹۱۰ مسلم گردید و در عرصه آرت و هنر مقامی شامخ را احراز نمودند. هدف این دسته نقاشان، که غالباً در تحت شرایط جداگانه انکشاف نموده اند، یکی بود. هرچار نقاش تصمیم گرفته بودند که هنر شان بمفهوم (هنر برای هنر) یعنی هنر محض، و در زمینه هنر بشمول تمام مسایل آن باشد. گذشته از آن در طریقی روان باشد که با طرز تفکر حلقه های کهنه فکر و تاریخ قطعاً آشتی پذیر نباشد. ایشان میخواستند با این روش خود چنان یک انقلاب هنری را بمیان آرند که زمینه همچشمی و رقابت هنر را با حلقه های هنری سایر مردمان متمدن ممکن بسازد. نخستین کسی که درین میان، در عین جوانی و صغر سن مفکوره آرت و هنر بمفهوم حقیقی آنرا احساس نمود، ریچارد جا کوپیک بود. او در اول نمیتوانست چیزی را که از هنر میخواست درک نماید و لی این نکته را

بالاخره در نمایشگاه امپرسیو نیست‌ها، در میونیک بخود معلوم کرد چنانکه مکتوبی
بر رفیق خود جاما، نوشت و باو خاطر نشان ساخت که آثار هنر مندانی را که قریباً
بدامیابی رسیده اند و در فکر رسیدن به آن ظفر بوده، دیده‌است. او غالباً می‌گفت که:
غبارومه معروف (لا جو بل جانه) که يك حالت غیر عادی را تشکیل میداد او را از اوایل
جوانی بران داشته بود که بهنر نقاشی دودستی بچسپید چون چو جا کو پیک را جمع
بهنر نقاشی نظریات واضح و روشن داشت، عامه او را پیشوای این گروه هنرمندان
مبارز دانستند. اگرچه جاما از سایرین تعلیم یافته تر بود ولی برای اینکه او شخصیت
عالی تر هنری کسب کند بفرصت بیشتری محتاج بود. گرچه پسانها در راه ترقی
امپرسیو نیزم مبارزانه قلم برداشت ولی مدتی هم در بین مفکوره‌های طبقه کهنه پرست
و هنر مندان جدید دودل و مردماند. منظره دنیای هنر جدید، پس از آنکه او لین بار
آثار امپرسیونیست هارا تماشا نمود برویش گشوده شد. ولی ناگفته نباید گذاشت
که مهمترین عامل انکشاف مزید او رفاقتش با جا کو پیک بوده‌است.

گروه از میان نقاشان تجارتنی سر بر آورد و سپس با تراشتراک مساعی
با جا کو پیک شروع به پیشرفت نمود. سترنین حتی زمانیکه در (ویانا) و (گراز) بود
این جنبش جدید را بارفقای ترقیخواه خود موضوع جرو بحث قرار میداد و در باره
آن مشاجره داشت ولیکن رفاقت او با جا کو پیک در میونیک بود که ذوق او را راجع
باین جنبش تازه و نوین بحرکت در آورد.

بجواب این سوال که ایشان از نقاشی چه اندیشه‌ای دارند و حقیقت هنری، که
حیات خود را وقف آن کرده‌اند، چیست؟ همه بيك صدا گفتند که کمال
مطلوب شان در هنر نقاشی «نقاشی روشنی» است.

این دسته نقاشان با پایمال نمودن و پشت سر گذاشتن عقاید رسمی اکادمیهای
هنری نصبالعین خود را بطور واضحی درستدیوی نقاشی تعقیب نمودند. ایشان
همواره در جستجوی روشنی و نور بودند، میخواستند بهر قیمتی که هست نور و روشنی
را نقاشی کنند. بنابراین دسته جمعی کارگاه خود را در هوای آزاد در مقابل طبیعت
کشیدند تا بروشنی دست یابند. طبیعت، از همان اوایل محل کار جا کو پیک بود.
پس از آنکه با جاما پیوست در حومه شهر بنقاشی پرداخت جا کو پیک پس از نا کامی



پڑوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمایشگاه دوم به (- کوفچه لو که) رفت و در آنجا چار سال یعنی از ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۶ ماند . گروه و سترنین هم بدنبال شان آمدند و بدین طریق (اسکو فچه لو که) محیط اکادمی امپرسیونیسم یوگوسلاویه قرار گرفت . نتیجه این اشتراک عمل و انجام این همه مطالعه خستگی ناپذیر طبیعت آن شد که ایشان نقاشی را بمفهوم تخیلیکی آن درک کنند و طوری دریابند که قبلا ، از نقاشان یوگوسلاویه کسی بد آن دست نیافته بود . این گروه نقاشان ، در عین زمان باندازه بی بین خود نزدیک شدند که میتوان گفت هنرهای همان وقت شان بسیار شبیه و مانند همدیگر است . بنابراین شاید بتوان گفت انکشاف اساسی امپرسیونیسم یوگوسلاویه تمام مولود مساعی مشترک این هنرمندان بوده است .

ایشان پس از آنکه مواجه بشکست و ناگامی شدند قصه کردند که در مراکز بزرگ هنری اروپا بروند تا بدانند که آیا حمایت شان درین راه دارای ارزشی هست یا نه . پس از آنکه انجمن هنری (ساوا) را تاسیس نمودند اولین نمایش شان در ۱۹۰۴ در ویانا صورت گرفت با دادن ایی نمایش گامیابی بزرگی را کمایی کردند که هرگز در انتظار آن نبودند . سپس نمایش های ۱۹۰۴ در بلگراد ، در ۱۹۰۵ در لندن ، در ۱۹۰۶ در صوفیه ، در ۱۹۰۷ در ریست در ۱۹۰۸ در زاگرب ، کراکو و وارسا و در ۱۹۱۱ در شهر روم داده شد . این نمایشها در معرفی کردن هنر شان بالاترین کمک را انجام داد .

جا کوپیک در ۱۹۰۶ در (لاجوبل جانیه) رفت و سرگرم و مشغول آن شد که فکر و دماغ جامعه یوگوسلاویه را متوجه شیوه امپرسیونیسم سازد . بنابراین اولین نمایش آثار خود را در گالری که در ۱۹۰۹ دایر گردید برگزار نمود . درین نوبت کسی بمخالفت برنخواست و بدین ترتیب امپرسیونیست ها تا شروع جنگ اول دنیایی بلندترین مقامی را در جامعه هنری یوگوسلاویه احراز نمودند .

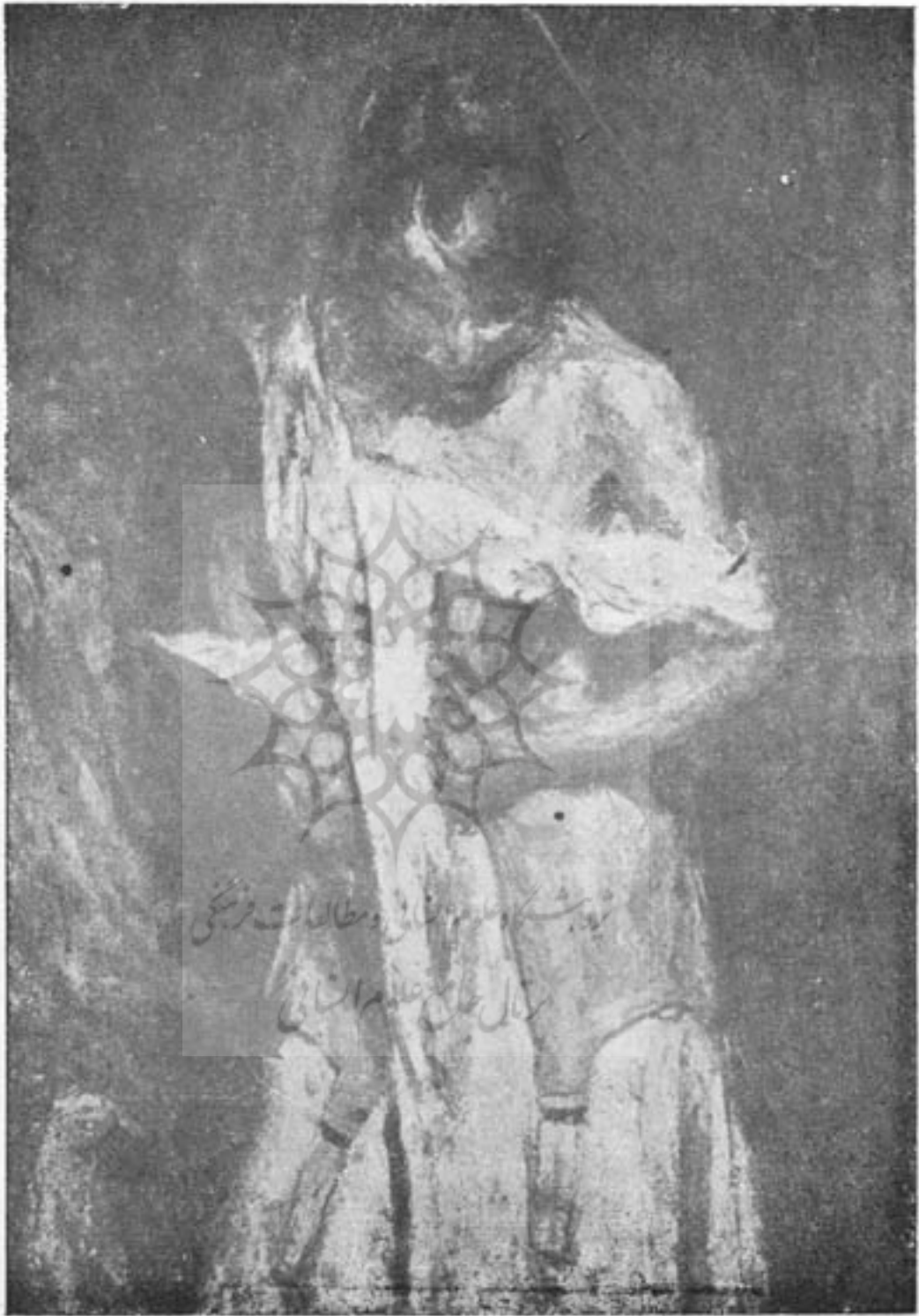
یک دسته از اکسپرسیونیستها پس از جنگ جهانی بی بزودی شروع به آن کردند که مقام امپرسیونیستها را بدست آرند ولیکن با کوشش زیادی که در طی چندین سال باین منظور بعمل آمد ، نتوانستند رقیب دسته مقابل شوند .

سی سال پس از مقاله آتشی که به پشتیبانی امپرسیونیسم نوشته شده بود یعنی در ۱۹۲۷ جاما، هنوز اقتدار کامل داشت چنانکه در طی یک مضمون جدی بعد از توانایی و بختگی هنر امپرسیونیسم دفاع کرد و نشان داد که ناممکن است رقبا هنر ایشان را ورشکست سازند. دسته‌بی از نقاشان یوگوسلاویه که در زاگرب تو بیت یافته بودند در ۱۹۲۸ بنام دوره چارم ظاهر شدند و علناً اعلام کردند که «مقام شامخ جا کوپیک و حکماری قابل وصف او در زمینه هنر امپرسیونیسم یوگوسلاویه معزز و محفوظ خواهد بود. کارهای آب و رنگ شان، مثل تمام دوزخ های آینده تاجنگ دوم جهانی، شیوه ریالیسم داشت.

چارنفر پیشوای معروف شیوه امپرسیونیسم یوگوسلاویه، که کارهای شان در دوران سائهای اول قرن بیستم بسیار شبیه و مشابه همدیگر بود، پس آنها در چار شاهراه جدا گانه همان روش گام برداشتند. در حالیکه امروز (سال ۱۹۵۵) از ان مردان صرف سترنیم باقیمانده. باید گفت در بین امپرسیونیستهای یوگوسلاویه - جاما از لحاظ تخنیک ماهر تر بود. بعد از او، سترنیم در زمینه آمیختن حالات محسوس و ریالیسم واقعی، خیلی موفق گردید. و گروهی، بدون تردید، از لایقترین شاعران امپرسیونیسم یوگوسلاویه بشمار میرود. جاییکه جا کوپیک را مخترع و کاشف آهنگ و تناسب رنگها باید خواند. از لحاظ خصوصیات هنری، با اینکه همه شان در کار هنر یک منظور بیش نداشته اند، جامار انا تورالیست، سترنیم را ریالیست، گروهی را ایریست و جا کوپیک را امپرسیونیست باید خواند.

منظور و هدف مشترك این دسته نقاشان این بود که میخو استند نور و روشنی را در برده های نقاشی خود ثبت نمایند و البته باید گفت: در انجام دادن این امر، با تراشتراك مساعی در بین سالهای ۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ توفیق یافتند.

انجام



نوشته کوروش شاه و مطالبات فرهنگی
لال علی علم‌الاسلام

گرسه - گاد: سترنبن - روغنی

